



شناخت روش‌شناسی مفسر از تفسیر او مهم‌تر است / تفاوت مطالعات قرآنی ایران و غرب

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با بیان این‌که دریافتن روش‌شناسی از فهم و دریافت اجزاء ظاهری یا جزئیات نظر یک مفسر بسیار مهم‌تر است، گفت: جزئیات وقتی به ما به درد می‌خورد که منتج به یک کلیت بشوند.

عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام با بیان این‌که دریافتن روش‌شناسی از فهم و دریافت اجزاء ظاهری یا جزئیات نظر یک مفسر بسیار مهم‌تر است، گفت: جزئیات وقتی به ما به درد می‌خورد که منتج به یک کلیت بشوند.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، پنجمین نشست از سلسله نشست‌های «مطالعات قرآنی؛ وضعیت حال، چشم‌انداز آینده» عصر دیروز، سه‌شنبه سوم تیرماه با سخنرانی مرتضی کریمی‌نیا، عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام در محل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

بنا بر این گزارش، کریمی‌نیا که موضوع سخنرانی خود را به مزایا و نواقص رشته علوم قرآن یا مطالعات قرآنی، به نحوی که در دانشگاه‌های ایران ارائه می‌شود، اختصاص داده بود، در این نشست و در لابه‌لای تصویری که از وضعیت موجود علوم قرآن در ایران ارائه داد، بیشتر بر آن چه که در این رشته دانشگاهی وجود ندارد و بایسته است بر آن افزوده شود تأکید کرد. علوم قرآن و حضور در عرصه بین‌المللی

وی سخنان خود در این رابطه را با طرح یک پرسش آغاز کرد و عنوان کرد: این پرسش مطرح است که رشته مطالعات قرآن یا علوم قرآن، با وجود تنوع زیاد در دانشگاه‌ها و با وجود سابقه بسیار زیاد عالمان ما در تولید مباحث مختلف علوم قرآن و تفسیر در قرن‌های متمادی در جهان اسلام و به خصوص در ایران، چرا اکنون که به قالب یک دیسپلین دانشگاهی درآمده است، فرصت حضور جدی در عرصه جهانی را ندارد و چرا همواره در این صحنه غایب است؟ و آیا اساساً این حُسن است که رشته ما، محققان ما و تولیدات محققان و دانشجویان و اساتید ما در عرصه‌های جهانی حضور داشته باشد، به رقابت بپردازد، حرف تازه‌ای بزند و حرف تازه‌ای را بپذیرد و یا حُسن نیست؟

کریمی‌نیا بحث خود را با یک تشبیه پی گرفت و گفت: در دیگر رشته‌های دانشگاهی و حتی رشته‌های ورزشی که روزگاری اساساً هیچ نام و نشانی در عرصه‌های جهانی نداشتند، می‌بینیم که این رشته‌ها با پیروی کردن از مدل‌هایی بین‌المللی و یک استاندارد متداول در خارج از مرزهای ایران، دیگر در محدوده داخل در یک جزیره بسته نیستند، بلکه همواره از جدیدترین نظریات، روش‌ها، فرضیه‌ها و دستاوردهای علمی آن رشته در جهان مطلعند یا چیزی بر آن می‌افزایند و در مجموع فرصت گفت‌وگوی به زبان مشترک با دیگر عالمان رشته خودشان را در خارج از ایران دارند.

وی با اشاره به این مطلب که امروزه ما به این رشته‌ها افتخار می‌کنیم، ادامه داد: المپیادهای علمی که برای دانش‌آموزان و دانشجویان طراحی شده است و آن‌ها را به عرصه جهانی می‌کشاند یک نمونه از همین‌هاست و در آن‌ها ما هیچ وقت دانش‌آموزان و دانشجویان‌مان را محدود به دانسته‌های داخل ایران نمی‌کنیم و همواره می‌کوشیم به آن‌ها چیزی بدهیم که در عرصه رقابت در خارج از مرزهای ایران، مشابه همان محصولی باشد که در خارج از ایران ارائه می‌شود؛ نه این‌که در این رشته‌ها کاملاً با الگوهای ملی و بومی و محلی رفتار کرده باشیم.

نبود زبان مشترک میان فارغ‌التحصیلان مطالعات قرآنی ایرانی و خارجی

این دانش‌آموخته حوزه و دانشگاه با اشاره به کمیت بسیار زیادی که رشته الهیات و علی‌الخصوص رشته علوم قرآن در دانشگاه‌ها به خود اختصاص داده است و همچنین با اشاره به این مطلب که هر روزه بالندگی دائم در پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی و سخنرانی‌ها را شاهد هستیم، گفت: آنچه با این وجود ما می‌بینیم این است که وقتی حتی فارغ‌التحصیلان برتر این رشته‌ها در کنار نمونه‌های مشابه خارج از ایران قرار می‌گیرند چندان زبان گفت‌وگوی مشترک برای فهم مسائلی که در همین حوزه علوم قرآن در آن جا طرح می‌شود ندارند.

کریمی‌نیا با اشاره به عامل این امر، بیان کرد: گوئی آن‌ها با قواعد و آدابی در مطالعات قرآنی ایران تحصیل کرده‌اند که نمونه‌های مشابه آن‌ها در خارج از ایران از آن قواعد تبعیت نمی‌کنند؛ دقیقاً مانند این که قواعد فوتبال در ایران با قواعد فوتبال در اتریش متفاوت باشد و قرار باشد تیمی از ایران با تیمی از اتریش مسابقه بدهد.

دو جهان مطالعات قرآنی خارج از ایران

وی در ادامه بحث خود جهان مطالعات قرآنی خارج از ایران را به دلیل اقتضائات متفاوت آن‌ها به دو حوزه تقسیم کرد و گفت: خارج از مرزهای ایران انبوهی از کشورهای اسلامی هستند که چه به زبان عربی و چه به زبان‌های محلی خودشان مانند ترکی، مالایی، اردو و ... به تحصیل، تدریس و پژوهش در مطالعات قرآنی و به طور کلی مطالعات اسلامی می‌پردازند. این‌ها در دانشگاه‌های خودشان محصولی شبیه مطالعات قرآنی ارائه می‌کنند.

این پژوهشگر برجسته مطالعات قرآنی ادامه داد: اما به جز جهان اسلام بخشی از آن چه که به نام مطالعات قرآنی در جهان تولید می‌شود متعلق به اروپای غربی و آمریکای شمالی و به طور مشخص کشورهای اتریش، هلند، انگلستان، فرانسه، آلمان،

آمریکا و کانادا است. آن چه که ما قصد داریم در این جلسه به آن بپردازیم نه آن چیزی است که در کشورهای اسلامی جریان دارد و از جهات بسیاری به کشور ما شبیه است، بلکه می‌خواهیم با مقایسه آن چه در ایران جریان دارد با کشورهای گروه دوم، به دلیل تفاوت بیشتر، تا حدی به آن چه که در کشور ما وجود ندارد آگاهی بیابیم.

کریمی‌نیا ضمن اشاره به این مطلب که مباحثش بر اساس مشاهدات و آمارگیری‌های میدانی نیست، بلکه بر اساس تصویری است که بنا به تجربه و در جریانی بین‌الذهانی و در گفت‌وگو برایش شکل گرفته است و می‌توان برای آن استثنائاتی هم یافت، به این مقایسه وارد شد.

تفاوت نوع نگاه به موضوع مطالعات قرآنی در ایران و غرب

این عضو هیئت علمی دانشنامه جهان اسلام نخستین نکته خود را راجع به نگاه به موضوع مطالعات قرآنی مطرح کرد و گفت: نگاه به مطالعات قرآنی در ایران، چه در نگاه محققان و اساتید و چه در نگاه دست‌اندرکاران، یک نگاه درون‌دینی است و استادی که این رشته را تدریس می‌کند و دانشجویی که در مقاطع مختلف به این رشته وارد می‌شود، قصد اولی و اصلی او بررسی قرآن به مثابه یک شیء و ابژه نیست، بلکه بیشتر در درون یک فضای دینی و قرآنی و اسلامی زندگی می‌کند و یک رابطه روحی و روانی بسیار نزدیکی با متن قرآن و دیگر متون اسلامی احساس می‌کند و از آن پس وقتی که به سمت فهم بیشتر این متن می‌رود همه چیز را از درون این فضا می‌بیند. در گذشته و در میان عالمان قدیم هم همین طور بوده است.

وی با مقایسه این نگاه با نگاه موجود در رشته مطالعات قرآنی در غرب، گفت: برای کسانی که در غرب اولین بار توجهات آکادمیک به متن قرآن و دیگر متون اسلامی پیدا کرده‌اند به هیچ وجه ایمان مذهبی و علقه مذهبی مطرح نبوده است؛ همچنان که ما وقتی راجع به بودائیسیم یا تاریخ متن اوستا تحقیق می‌کنیم، علقه مذهبی نسبت به آن متن یا کتاب نداریم.

کریمی‌نیا البته ضمن اذعان به وجود وجوه مثبت برای یک محقق و دانشجوی مسلمان که به دلیل شرایط خود مواردی را بهتر از یک محقق غربی که ممکن است آن موارد را با گوشت و پوستش حس نکند، احساس می‌کند و متوجه می‌شود، گفت: اما خیلی وقت‌ها هم این مسئله به آن فرد اجازه نمی‌دهد که آن جایی که لازم است، از بیرون از این فضا به موضوع پژوهش خود نگاه کند.

ضرورت فاصله گرفتن از شیء مورد مطالعه و رفتن به سراغ اسناد و مدارک

وی افزود: برای مثال در آن جا که ما راجع به تاریخ متن قرآن صحبت می‌کنیم و یا وقتی که راجع به واژگان و مفردات قرآن تحقیق زبانی می‌کنیم، نیازمند این است که ما از شیء فاصله بگیریم و به سراغ اسناد و مدارک تاریخی و زبانی برویم.

اکتفای ما به ادله درون‌دینی و تأکید غربیان بر اسناد و مدارک قدیمی

این عضو هیئت علمی بنیاد دائرةالمعارف اسلامی با اشاره به این مطلب که برای مثال در مباحث مرتبط با جمع و تدوین قرآن یا قرائات و یا تحریف قرآن، ادله‌ای که برای پژوهشگر ارائه می‌شود عموماً ادله درون‌دینی هستند، گفت: اما در پژوهش غربی‌ها اصولاً به چنین ادله‌ای بر نمی‌خورید. ما می‌شنویم که متن قرآن از همان ابتدا همین گونه بوده است و به همین اکتفا می‌کنیم اما غربیان از همان اول به دنبال اسناد مشت پرکن بوده‌اند و در این راه به دنبال اسناد قدیمی‌تر؛ چرا که هر چه یک سند قدیمی‌تر باشد ارزشمندتر است و داده‌های عینی بیشتری در اختیار ما قرار می‌دهد.

کریمی‌نیا با بیان این مطلب که اگر دانشجوی ما همیشه با ادله درون‌دینی مواجه باشد خیلی دشوار است که خود و سیستم دانشگاهی و استاد را راضی کند که پایان‌نامه‌ای بنویسد که کاملاً متکی به منابع بیرون‌دینی باشد، گفت: این مثل این است که این دانشجو از استادان خود بخواهد اجازه بدهند که آن‌ها به زبان فارسی حرف بزنند و او به زبان اسپرانتو حرف بزند. وقتی یک دانشجو بخواهد با روشی که در محیط تحصیلی خودش فرصت حضور و فرصت ارزیابی پیدا نکرده است و مزایا و نواقص آن پیدا نشده پیش برود، این گفت‌وگو شکل نمی‌گیرد.

مکتوبات صدر اسلام تا قرن چهارم؛ با ارزش‌ترین اسناد در مطالعات قرآنی

وی نکته بعدی را در راستای همین مطالب در مورد تأکید غربیان بر اسناد قدیمی مطرح کرد و گفت: کهن‌ترین نوشته‌ها از صدر اسلام تا قرن چهارم با ارزش‌ترین متون و اسنادی هستند که هم در درجه اول باید آن‌ها را فهمید و هم برای تحقیق در مورد تاریخ و فهم متون چند قرن نخست فقط به آن‌ها مراجعه کرد و نه به هیچ متن دیگری. اما به دلایل مختلف چنین رویکردی کمتر در مطالعات قرآنی ایران دیده می‌شود؛ که یکی از دلایل این مسئله نیازمندی فهم متون کهن به اطلاعات علمی و ادبی خاص است.

کریمی‌نیا افزود: در غرب وقتی که راجع به دوران صدر اسلام قرار است کاری انجام شود برای چنین افرادی فرض است که هر چه بیشتر از قدیمی‌ترین اسناد و متون مطلع باشند و در صدر تمام این اسناد و متون نسخ خطی است که ممکن است بسیاری از آن‌ها هنوز منتشر نشده باشد. کار بر آن‌ها و ارجاع به آن‌ها برای محققانی که در مورد این دوران اولیه کار می‌کنند نه تنها یک فضل و حسن است، بلکه خیلی واجب است. به عکس در مورد دانشجویانی که در ایران در رشته مطالعات قرآنی تحصیل می‌کنند چندان این امر توصیه نمی‌شود.

تفاوت مواد و محتوای دروس مطالعات قرآنی در ایران و غرب/ در غرب همه چیز نتیجه‌گراست

وی نکته بعدی را در مورد محتوا و مواد دروس عنوان کرد و با اشاره به تفاوت آشکار این محتوا در رشته علوم قرآن در ایران در مقطع کارشناسی و در غرب، گفت: در غرب همواره همه چیز نتیجه‌گراست و همه چیز برای این مطالعه می‌شود که بدانیم به چه دردی می‌خورد و باید فایده و نتیجه‌ای را حاصل کند و آن فایده کاملاً ملموس و عینی است.

تأکید بر تاریخ علم در مطالعات قرآنی غرب

کریمی‌نیا افزود: از همین رو بسیاری از آن چه که به نیازهای تبلیغی و ترویجی قرآن و اسلام مربوط می‌شود در دروس دانشگاهی غربی وجود ندارد و به عکس در مقابل علاوه بر تأکید بر مسئله زبان عربی و زبان‌های کلاسیک مشابه، در سیستم آموزشی تأکید بر تاریخ علم بسیار بیشتر از اینجا پیداست. یعنی مواد درسی به شکلی ارائه می‌شوند که دانشجو با تاریخ تحول یک علم بسیار بیشتر از دانشجو در ایران آشنا می‌شود.

وی با اشاره به اهمیت تاریخ برای غربی‌ها بیان کرد: اساساً مسئله تاریخ و شناخت یک چیز ورای آن چیزی که امروز خود را نشان می‌دهد برای غربی‌ها خیلی مهم است. ما بسیاری از امور را امروزه می‌بینیم و فکر می‌کنیم که همیشه همین گونه بوده است، در حالی که در ذهن یک غربی از ابتدای تولد و در ادامه در همه دوران‌های تحصیل و به وسیله خانواده و جامعه این ذهنیت جا می‌افتد که هر چیزی تاریخ دارد و گذشته دارد و همه چیز با گذشته‌اش خوب دیده و شناخته می‌شود و به همین دلیل اعتنای زیادی هم در جامعه به امور قدیمی داده می‌شود.

وی افزود: برای مثال غربی‌ها زیاد به موزه می‌روند و از آثار قدیمی خود خیلی محافظت می‌کنند و به همین دلیل هیچ چیزی به راحتی خراب نمی‌شود و مناظر و مکان‌های زیادی وجود دارند که از سده‌های گذشته همین الان در شهرهای فعلی وجود دارند و مردم در آن‌ها زیست می‌کنند. این در حالی است که برای ما بهترین چیزها جدیدترین چیزها هستند اما امور قدیمی و تاریخی همیشه در ذهن یک غربی همیشه حضور جدی دارند.

کریمی‌نیا با اشاره به نتایج و لوازم روش‌شناختی تفاوت نگاه در این مورد در زمینه تفسیر و علوم قرآنی گفت: وقتی که ما به سراغ یک تفسیر می‌رویم و می‌بینیم که در مورد یک آیه چیزی می‌گویند شاید برای ما پایان کار است، اما این جا برای یک غربی پایان ماجرا نیست و می‌خواهد بداند که قبل از آن چه بوده است؛ یعنی تاریخ علم و تاریخ تحول علم، در همه زمینه‌ها، خیلی مهم و برجسته است. به همین دلیل موضوعاتی مانند تاریخ قرآن، تاریخ تفسیر و تاریخ علوم قرآن به اشکال مختلف در نظام آموزشی غرب بیشتر ارائه می‌شوند و نشان داده می‌شوند.

تفاوت تاریخ تفسیر نزد ما و در مطالعات قرآنی غربیان

وی عنوان کرد: ما در این جا هم درس تاریخ تفسیر داریم و ممکن است که در این جا هم پایان‌نامه‌هایی به این مسئله که روش یک مفسر چیست بپردازند. در زمینه تاریخ تفسیر هم آثاری تولید می‌شود؛ شبیه همان چیزی که در کشورهای عربی رایج است و در آن زندگی‌نامه مفسر، همراه با لیست اساتید و شاگردان، اقوال علما درباره او، لیست کتاب‌های او، و نمونه‌هایی از تفسیر او ذکر می‌شود. شکلی مدرن از این الگو در پایان‌نامه‌ها و حتی در بسیاری از کتاب‌هایی که چاپ می‌شود هم وجود دارد.

گوهر اصلی پایان‌نامه‌های روش‌شناسی تفسیر در غرب

کریمی‌نیا ادامه داد: اما نکته اساسی این است که اگر پایان‌نامه‌ای در این باره بخواهد در دانشگاه‌های غربی ارائه بشود مهمترین سؤالی که دانشجو باید همواره در همه جای رساله‌اش به آن پاسخ بدهد این است که «چرا این تفسیر، این تفسیر است؟» و ما باید برای خواننده‌ای که می‌خواهد روش‌شناسی تفسیر این تفاسیر را دریابد به این سؤال پاسخ بدهیم که «چرا التبیان شیخ طوسی تفسیر تبیان شده است و چرا تفسیر طبری نشده است، چرا المیزان نشده است، چرا در بغداد آن دوره نورالثقلین نشده، چرا تفسیر علی بن ابراهیم را شیخ طوسی ننوشته است و چرا تبیان تبیان است؟»

وی گفت: این که نویسنده پدرش که بوده و در چه زمانی زندگی می‌کرده و استادانش چه کسانی بوده‌اند مهم است، اما مهمترین مسئله این است که همه این‌ها را با اندیشه و روش آن مفسر در نگارش آن اثر پیوند بزنید و تبیین کنید که چرا اگر 50 سال بعد مفسر دیگری در همان بغداد می‌خواست تفسیر بنویسد دیگر مثل او نمی‌نوشت است، یا اگر شیخ طوسی در بغداد این تفسیر را نوشته است در همان سال در ری یا خراسان چرا این تفسیر پدید نیامده است؟ چرا در یک زمان واحد، دو مفسر، در دو نقطه جغرافیایی متفاوت، دو تفسیر کاملاً متفاوت می‌نویسند؟

اولویت و برتری روش‌شناسی یک مفسر بر نظرات تفسیری او

کریمی‌نیا با بیان این که دریافتن علت چنین موضوعی از فهم و دریافت اجزاء ظاهری و یا ریز جزئیات نظر یک مفسر در تفسیر تک تک آیات بسیار مهمتر است، اظهار کرد: آن جزئیات وقتی در روش‌شناسی مفسر معرفی آن مفسر به ما به درد می‌خورند که منتج به یک کلیت بشوند و به ما بگویند که شیخ طوسی در بغداد جز این به شکل دیگری نمی‌توانسته است بنویسد و اگر 50 سال قبل زندگی می‌کرد امکان نداشت این را بنویسد. این گوهر اصلی است که در پایان‌نامه‌های روش‌شناسی تفسیر و تفاوت آن‌ها با این جا وجود دارد.

وی در بخش دیگری از این نشست به بحث انگیزه ورود به رشته علوم قرآن در ایران و مقایسه آن با کسانی که در غرب به عرصه مطالعات قرآنی وارد می‌شوند پرداخت و نکات و جزئیاتی را نیز در این مورد بیان کرد.

کریمی‌نیا همچنین در جمع‌بندی خود بر مواردی همچون زبان‌دانی صحیح، گزینش درست و اصولی نخبگان، مشکل آشنایی صحیح با متون کهن، آشنایی با جهان کهن و ملزومات آن، جدی گرفتن روش تحقیق و توجه دادن به تفکر انتقادی نیز تأکید کرد.